

# خانم طالقانی من مسلمانم و به این رژیم هم کوچکترین اعتقادی ندارم

چند روز پیش خبرگزاری ایرنا خبر زیر را منتشر کرد که عینا نقل میشود:

“اعظم طالقانی دبیر کل جمعیت زنان انقلاب اسلامی گفت: کسانی که شعارهایی مانند جمهوری ایرانی را مطرح می کنند یا دیندار نیستند و یا اعتقادی به اسلام و مبانی دینی ما ندارند. اعظم طالقانی در گفت و گو با ایرنا تاکید کرد: ما نباید به شعارهای عده ای محدود تحت عنوان استقلال آزادی جمهوری ایرانی توجه کنیم اصل و ملاک ما خواست اکثریت است. وی ادامه داد: اکثریت ملت ایران در چارچوب قانون اساسی و در راستای حفظ و پاسداری از ارزش های نظام جمهوری اسلامی گام برمی دارند. وی گفت: کسانی که چنین شعارهایی را مطرح می کنند یا دیندار نیستند و یا اعتقادی به اسلام و مبانی دینی ما ندارند. طالقانی گفت: 98 درصد ملت ایران به جمهوری اسلامی رای دادند اما باید نخبگان و کارشناسان با کنکاش و بررسی دریابند که چرا باید همین عده خاص و اقلیت چنین حرفهای نامتعارفی را بیان کنند باید مسئولان و دانشگاہیان جدا از غلط بودن چنین شعارهایی علت را شناسایی کنند؛ در یک جامعه پویا باید همه زوایای یک مسئله مورد بررسی قرار بگیرد. طالقانی در خصوص احتمال عدم حمایت هاشمی رفسنجانی از میر حسین موسوی و جریان سبز گفت: من به چنین قضیه ای اعتقاد ندارم هاشمی رفسنجانی یک سیاست مدار کهنه کار است و همیشه می داند که چه تصمیمی اتخاذ کند. وی در خصوص حضور 40 میلیون ایرانی در پای صندوق های رای نیز گفت: این حضور نشان داد که ملت ایران اول به اصل نظام و جمهوری اسلامی رای دادند و بعد نسبت به تعیین سرنوشت خود و اصلاح امور پافشاری می کنند. طالقانی در پایان خاطر نشان کرد: امیدوارم با اتخاذ خط مشی صحیح و منطقی شاهد مستولی شدن آرامش و وحدت در فضای جامعه باشیم.”

برایم باور کردنی نبود، نخست گمان کردم با توجه به اینکه کار ایرنا دروغ ساختن است این خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی توسط خانم اعظم طالقانی تکذیب شود. اما متأسفانه بعد از چند روز از تکذیب، خبری نشد (به پایان مقاله مراجعه شود). بر این شدم در اینباره که از دید من بسیار حائز اهمیت است حداقل کوتاه پاسخی داده باشم.

مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور طی سالهای متمادی عادت کرده بودند که رژیم هر نوع تهمتی را به هر شخصی بزند، عادت کرده بودند که از دستگاههای تبلیغاتی این رژیم بدترین دشنامها به سالم ترین فرزندان این میهن را بشنوند. اما برای اولین بار است که با دادن عنوان مرتد از سوی یکی از اصلاح طلبان برای همه کسانی که شعار جمهوری ایرانی داده اند روبرو میشویم. نمیدانم خانم طالقانی به چه علت این اجازه را بخود داده است به کسانی که به جمهوری اسلامی باور ندارند تهمت عدم اعتقاد به اسلام بزند. خانم طالقانی! من مسلمانم اما هرگز زیر بار این رژیم نخواهم رفت، هرگز ولایت مطلقه جمهوری اسلامی را نخواهم پذیرفت و تا آنجا که در توان دارم برای تغییر این نظام مخوف کوشش خواهم کرد. این مبارزه و مقاومت را تنها وظیفه انسانی و ملی خود نمیدانم، بلکه وظیفه دینی خود نیز میپندارم. برآستی آیا سخنان شما در باره افرادی که به جمهوری اسلامی باور ندارند در حد نوشته های کیهان نیست. خانم طالقانی شما را بخواندن تهمتهای روزنامه کیهان 28 تیر گذشته رجوع میدهم. کیهان در ستون «خبر ویژه» در خبری تحت عنوان «رهنمود فرزند ناخلف به مراجع!» نوشت:

" دختر آیت الله طالقانی(ره) که با گروهک نهضت آزادی ارتباط و همکاری وسیع دارد، به مراجع رهنمود ارائه کرد! اعظم طالقانی در گفت و گو با خبرگزاری افراطی ایلنا گفت: وظیفه شرعی مراجع است که از سخنان هاشمی حمایت کنند. وی اضافه کرد: سخنان آقای هاشمی بی شباهت به سخنان مرحوم طالقانی در اولین نماز جمعه نبود. برخی فرزندان آیت الله طالقانی که با دو گروهک نهضت آزادی و منافقین پیوند خورده بودند به آلت دست این گروهک ها برای فاصله انداختن میان آیت الله طالقانی و نظام تبدیل شدند اما مرحوم طالقانی با وجود فاصله پیش آمده، آب پاکی را روی دست منافقینی که وی را پدر طالقانی خطاب می کردند و می گفتند «نیروی نظامی ما در خدمت شماست!»، ریخت. آیت الله طالقانی خطاب به حضرت امام گفته بود وقتی خسته و دلزده می شوم و به ملاقات شما می آیم، خستگی و ناامیدی از تن من بیرون می شود."

بنگرید کیهان چگونه قضاوت میکند و شما هم مقداری به قضاوت خود در باره کسانی که به جمهوری اسلامی باور ندارند بیندیشید. اولاً خانم طالقانی در قبض و مدار بسته بینش و نگرش خود از بدیهی ترین مفاد «اعلامیه حقوق بشر» غفلت میکند که: «ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر مانند برادر رفتار کنند. ماده ۱۹: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق

مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن ، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.»

بنابراین این حق مسلم انسانها است که «بدون هیچ گونه تمایز ، خصوصا از حیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر» از حقوق برابر با بقیه برخوردار باشند. و به بیان دیگر مفاد « اعلامیه حقوق بشر» با اصول و ارزش های پایه دینی قابل و تعارضی ندارد . ثانیاً ، شعار جمهوری ایرانی در جنبش همگانی بیانگر و ترجمان خواست و مطالبات مردم و انسان هائی است که به حقوق ذاتی ، شهروندی و ملی خود آگاه می باشند و این انسانها با باورها ، سلیقه ها و نگرش های مختلف دینی و غیر دینی می باشند و بگمان من عده باورمندان به دین در این « جنبش همگانی » کم نیستند. ثالثاً ، شما اسلام را تا حد این نظام با کارنامه سیاهش نزول داده اید و دیدگاه و نظرگاه شما از دین، ناشی از عدم توجه به این موضوع است که دین بعنوان اخلاق و معنویت با قدرت در تعارض و تضاد است و احتیاج به قوه دولتی ندارد و از زمانی که دین دولتی میشود همین جمهوری اسلامی فعلی میگردد که میزان فساد و جنایت را از حد تحمل و تصور گذرانده است. اگر اطلاع ندارید، بدانید زیاد و بسیار انبوه هستند معتقدین به اسلام که هیچگونه باوری به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی و حتی دولتی دینی ندارند. اگر شما بر این هستید که در نظام جمهوری اسلامی فعال باشید و به ولایت فقیه التزام بدهید، بدهید. اما لطف کنید در باره اعتقادات دیگران قضاوت و داوری نکنید. شما میتوانید از دست احمدی نژاد و سپاه پاسداران و سرکوبگران به نمایندگان مجلس خبرگان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نظام مراجعه کنید و آنان را نمایندگان منتخب مردم بخوانید و از آنان کمک بخواهید (رجوع شود به نامه اعظم طالقانی در ۲۴ تیر ۱۳۸۸). اما بدانید که هستند بسیار ایرانیان مسلمان در داخل و خارج از کشور که با آنها به جز ایستادگی بر سر حقوق مردم کاری ندارند. ایرانیان مسلمانی هستند که آنان را منتخب مردم نمیدانند و به آنان رجوع نمیکنند. ایرانیانی هستند که افتخار میکنند بنام دین خود در مقابل این نظام سیاه ایستاده اند و نمیخواهند بنام دین دستگاه قدرت ساخته شود. شما میتوانید به آقای رفسنجانی رجوع کنید و او را که دستش بخون جوانان این میهن آلوده است، راه حل خروج از بحران و بن بست کشور بدانید. اما ایرانیان مسلمانی هستند که بر این باورند این نظام غیر اخلاقی و خشن و فاسد باید برود. گمان نکنید آنها افراطی هستند و اهل خشونت. نه آنها میهن خود را و استقلال اش را بر اصول آزادی ، استقلال و عدالت دوست

دارند و همواره قربانی خشونت های کور نیز بوده اند. اما نمیتوانند از حق بگذرند، حتی آشکار که بنام دین زیر پا گذاشته شده است. حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش که در این نظام کوچکترین محل و جایگاهی ندارد. بگذارید کسی اجازه نداشته باشد در باره دیندار بودن یا نبودن دیگران قضاوت کند، بگذارید همه ایرانیان بعنوان انسان صاحب حقوق برابر باشند. احمدی نژاد، خامنه ای، مصباح یزدیها و سپاه پاسداران استبداد و بسیج خشونت به اندازه کافی ما را بی دین خطاب میکنند شما که اهل اصلاح هستید لطفا کوتاه بیایید!!! آیا نمیدانید که این قماش منتظر اینگونه سخنان از سوی شما هستند تا از آن برای سرکوب هر چه بیشتر مخالفان نظام استفاده کنند.

در حال تصحیح این متن بودم که دوست بزرگواری به من گفت خانم طالقانی این متن را همین الان تکذیب کرده است. از آنجا که موضوع مهم است متن تکذیبیه خانم طالقانی را در اینجا درج میکنم.

“خبرگزاری جمهوری اسلامی اینجانب اعظم طالقانی نسبت به نوع تحریف مصاحبه آن رسانه و اعلام خبر در تاریخ 29/7/88 معترض می‌باشم؛ اولاً این مصاحبه بدون رعایت امانت خبر که یکی از موارد مهم خبر در بحث اطلاع‌رسانی است، انعکاس یافته؛ ثانیاً قبل مصاحبه از مصاحبه‌گر تقاضا شد که خبر بدون بررسی اینجانب اعلام نگردد با این وجود خبر اعلام شده است. لذا تقاضا دارد تکذیبیه این جانب طبق قانون رسانه‌ای اعلام و فایل صوتی آن منتشر گردد. با تشکر اعظم طالقانی 29/7/88.”

همانطور که ملاحظه میشود ایشان محتوای متن را تکذیب نکرده است. ای کاش حداقل یک کلام می نوشتند که آن جمله از ایشان نیست. اما این روش تکذیب در باره مسئله ای به این مهمی من را مصمم تر کرد که این کوتاه را بنویسم و با همیهنان عزیز در میان بگذارم. خصوصاً اینکه خانم طالقانی نامه ای هم که دیروز نوشته اند که بروز میدهند که سخنی که ایرنا از قول ایشان درج کرده است به واقعیت نزدیک است. ایشان در نامه خود یکبار دیگر نسبت به عواقب تداوم این سیاست‌های رژیم در چندماهه اخیر هشدار می‌دهند و در پایان نامه برای دلسوزی مینویسند:

” مسئولین و دست‌اندرکاران این رویه‌ها نباید چشم بر همه واقعیات ببندند و هشدار جمع کثیری از مراجع و علما، منتقدان دولت از جریان محافظه‌کار، دلسوزان وطن و انقلاب از طیف‌های مختلف سیاسی کشور را نادیده انگارند و برای دفاع از قدرت و منافع جمعی محدود، سرنوشت کشور، انقلاب، مردم و فرزندان این آب و خاک را به خطر اندازند و نظام و کشور را دچار مخاطره سازند که نتیجه آن

رویگرانی خود از اصول اعتقادی و دینداری اخلاق معنویت انسان دوستی و منافع ملی است چنانکه آموزه‌های دینی که از جانب انبیا بخصوص پیامبر اسلام فرزندان و پیروان صادق آنان در عمل و اجرا نادیده انگاشته گردد، دین‌گریزی توسط مدعیان ذکر رحمت حق حداقل روزی ده بار بیش از این ترویج می‌گردد. که این خود مسئله‌ای است برای مشفقین نظام!!”

همانطور که ملاحظه میشود ایشان بار دیگر نظام و کشور را در یک ردیف قرار میدهند و نبود نظام را باعث گریز از دین می‌پندارند. اما بر همه روشن است که نظام ولایت فقیه و یا نظام جمهوری اسلامی، یعنی نظامی که بر ایران حاکم است هم انسانیت، هم میهن و هم دین را در خطر قرار داده است و راه کار وضعیت کنونی کشور گذار از این نظام و تشکیل و استقرار نظامی حقوق مدار است که در آن هر انسان با هر دین، اعتقاد، جنسیت، زبان، قومیت و مکتبی دارای حقوق برابر باشد.